

صدیقه فراهانی

آن سوی اُتیسم



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست

مقدمه.....	۱۱
تاریخچهٔ تئوری ذهن.....	۱۵
فصل اول: شناخت تئوری ذهن.....	۱۹
نظریه‌های شناختی اُتیسم.....	۱۹
نظریهٔ تئوری ذهن.....	۲۰
مشکلات فردی و اجتماعی نقص در تئوری ذهن.....	۲۳
۱. نقص در فهم اذهان دیگر.....	۲۴
۲. ضعف در پیش‌بینی رفتار دیگران.....	۲۴
۳. عدم فهم شوخی، کنایه و استعاره.....	۲۵
۴. ضعف در درک دروغ و فریب.....	۲۶
۵. نقص در فهم زبان بدن.....	۲۶
- رابطهٔ زبان و تئوری ذهن.....	۲۷
- رشد تئوری ذهن در افراد دارای اُتیسم.....	۲۸
- پیش‌شرط‌های تئوری.....	۳۰
نظریات شناختی دیگر طیف اُتیسم.....	۳۹

۳۹.....	همدلانه - نظام‌مند
۴۱.....	همدلی
۴۷.....	نظریهٔ بیش همدلی
۴۸.....	نظریهٔ ضعف در کارکرد اجرایی
۵۴.....	نظریهٔ ضعف در پیوستگی مرکزی
۵۵.....	نظریهٔ آینه شکسته
۵۵.....	نرون‌های آینه‌ای
۵۹.....	آزمون‌های تئوری ذهن

فصل دوم: تمرینات تئوری ذهن..... ۷۳

۷۵.....	فهم احساسات
۷۷.....	الف) فهم حالات صورت
۸۰.....	ب) فهم احساسات مبتنی بر موقعیت
۸۲.....	ج) فهم احساسات مبتنی بر آرزو
۸۶.....	د) فهم احساسات مبتنی بر فکر و عقیده
۸۸.....	آموزش تقلید و بازی‌های تقلیدی
۹۱.....	بازی‌های تخیلی
۹۲.....	آموزش فریب
۹۴.....	پیش‌بینی رفتارها بر اساس دانسته‌های یک فرد
۹۴.....	درک تفاوت چشم‌انداز دیداری
۹۶.....	آموزش توجه مشترک
۹۷.....	فهم اینکه دیدن موجب دانستن می‌شود
۹۹.....	فهم باور غلط درجه اول و باور درست
۱۰۰.....	فهم باور غلط درجه دوم
۱۰۰.....	تفسیر زبان بدن
۱۰۲.....	تقویت ردیاب مسیر چشمی
۱۰۳.....	آموزش تفاوت واقعی و نمود
۱۰۶.....	آموزش شوخی، استعاره و کنایه

فهرست ■ ۹

- آموزش از طریق داستان‌گویی ۱۰۶
- آموزش از طریق فیلم ۱۰۷
- مهارت‌های اجتماعی ۱۰۷

مقدمه

اُتیسم را از یک نگاه می‌توان به کوه یخ در اقیانوس تشبیه کرد. بخش کوچکی از آن را می‌بینیم ولی بخش اعظم آن، که علت ظهور و ایجاد این بخش، است زیر آب است و بر ما پوشیده است. اُتیسم دنیای رازآلودی است با بخش عظیمی از نادیده‌ها و نادانسته‌ها. رفتارهایی که از یک فرد مبتلا به اُتیسم بروز می‌کند نمود ناچیزی است از فعل و انفعالات پیچیده‌ای که بر ما پوشیده است و هرچه علم به سمت رمزگشایی این نادانسته‌ها پیش می‌رود گویی درک دنیای درون این افراد برای ما بیشتر می‌شود و البته کنار آمدن با آن‌ها و کمک به بهبود زندگی آن‌ها برای ما آسان‌تر می‌شود.

مشکل ما این است که اُتیسم را از بیرون توصیف می‌کنیم، درحالی‌که اُتیسم درون فرد مبتلا به اُتیسم رخ می‌دهد. تعریف اُتیسم را آنچه به‌نظر می‌رسد می‌دانیم نه آنچه فرد از درون احساس می‌کند. اکنون به تعریف اُتیسم توجه کنید. در تعریف اُتیسم گفته می‌شود، اختلال رشدی است که با مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مشکلات بروز می‌کند. اولین و اساسی‌ترین ویژگی، مشکل در تعامل و برقراری ارتباط با دیگران است، هم ارتباط کلامی

هم غیر کلامی. اکثر بچه‌های مبتلا به اُتیسم در کلام مشکل دارند، یا کلام ندارند، یا تأخیر در کلام دارند، و در عین حال در فهم عبارات و معانی جملات مشکل دارند. یعنی حتی وقتی شروع به صحبت می‌کنند، صحبت‌شان بیشتر طولی‌وار و تکرار است. اما مشکل تعامل آن‌ها با دیگران فقط به محدودیت کلامی آن‌ها مربوط نمی‌شود، بلکه آن‌ها عموماً تنهایی و انزوا را ترجیح می‌دهند و تعامل با دیگران حتی بعدِ پیشرفت زبان، برای‌شان دشوار است. این افراد از تماس چشمی با دیگران می‌گریزند و هنگام صحبت با دیگران از نگاه کردن به چشمان آن‌ها پرهیز می‌کنند. ویژگی دوم اُتیسم علاقه‌های خاص و محدود است. یعنی به بعضی موضوعات چسبندگی و علاقه شدید دارند و نسبت به موضوعات دیگر کاملاً بی‌علاقه و بی‌انگیزه‌اند. همین موضوع باعث می‌شود که فعالیت‌های محدود و تکراری داشته باشند، مثلاً یک فیلم را بارها و بارها تماشا کنند یا زمان طولانی را به ردیف کردن اسباب‌بازی در یک خط اختصاص دهند. ویژگی سوم، مشکلات حسی آن‌ها است. حواس پنجگانه، حس و سستیبولار یا تعادلی و حس عمقی آن‌ها متعادل و هماهنگ نیست، بعضی افراد این طیف حواس شدید و بعضی حواس کند دارند. همین موضوع باعث بروز رفتارهایی از این قبیل می‌شود: خنده‌ها و گریه‌هایی که ما دلیل آن را نمی‌دانیم. دوست ندارند در آغوش گرفته شوند یا برعکس دوست دارند زیر رختخواب و وسایل سنگین بخوابند. زیاد می‌پرند و خودشان را به مبل و رختخواب می‌کوبند. چرخیدن را خیلی دوست دارند، از چرخاندن اشیاء لذت می‌برند، همچنین دیدن اشیای چرخان مثل لباسشویی، هواکش و پنکه برای‌شان لذت‌بخش است. انگشتان خود را جلو چشمشان حرکت می‌دهند. پوشیدن لباس نو و کفش نو برای بعضی از آن‌ها سخت است. احساس درد بیش از حد، یا کمتر از حد معمول دارند.

می‌بینید که تعریف اُتیسم همه، بروز و ظهور بیرونی آن است و کمتر از درون اُتیسم خبر می‌دهند. همین جهل ما و البته نارسایی علم در این موضوع

باعث شده گاهی برچسب‌های نادرستی به بعضی رفتارهای آن‌ها بزنییم. مثلاً اینکه گفته می‌شود یکی از علائم اُتیسْم گریه‌ها و خنده‌های بی دلیل است، که در واقع باید گفت گریه‌ها و خنده‌هایی که ما دلیلش را نمی‌دانیم. یا اینکه خیلی از مشکلات حسی را به مشکلات رفتاری نسبت می‌دهیم. مثلاً بچه‌ای را در نظر بگیرید که در حس چشایی مشکل دارد، اگر غذایی را که دوست ندارد در دهانش بگذارید، چیزی که ما می‌بینیم این است که غذا را سریع از دهانش بیرون می‌ریزد، ممکن است گریه کند، عصبانی شود، کتک بزند و گاهی ممکن است حالت تهوع به او دست دهد. حالا اتفاقی که در سیستم عصبی او رخ می‌دهد این است که به علت مشکلاتی که او در یکپارچگی حسی (SI) دارد، یعنی در بخش یا بخش‌هایی از فرایند پردازش حسی خللی وجود دارد، وقتی که غذا وارد دهان او می‌شود، بافت غذا، مزه یا بوی غذا به‌عنوان یک عامل خارجی و یک ورودی و داده خطرناک شناسایی می‌شود و سیستم عصبی مرکزی دستور دفاعی در مقابل آن صادر می‌کند و آنگاه رفتارهایی که ما شاهد آن هستیم اتفاق می‌افتد. و علم بشر در مورد اتفاقات درونی و دلایل اصلی این تظاهرات بیرونی هنوز بسیار ناقص است و محدود به ارائه بعضی نظریات است، از جمله نظریه تئوری ذهن. مشکل دیگر ما در مواجهه با اُتیسْم قضاوت یک‌طرفه ماست. ما خودمان را محور قرار می‌دهیم و همه چیز را با خودمان می‌سنجیم. مثلاً اگر حواس پنجگانه کسی قوی‌تر از حواس ما باشد به آن تند و اگر کمتر از حواس ما باشد به آن کند می‌گوییم. البته تا اینجا کار اشکال ندارد، مشکل در قضاوت نهایی ماست که به‌جای پذیرش تفاوت‌ها، به حواس خودمان برچسب طبیعی و به حواس آن‌ها برچسب غیرطبیعی می‌زنیم. یا در مورد خود نظریه تئوری ذهن دقت کنید، در این نظریه گفته می‌شود افراد مبتلا به اُتیسْم نسبت به ما کور ذهنی دارند، یعنی در درک فکر و احساس ما نقص دارند، اما اگر قضیه را از

۱۴ ■ آن سوی اُتیسم

آن طرف ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا نسبت به آن‌ها کور ذهنی نداریم؟ آیا ما می‌توانیم احساسات آن‌ها را بفهمیم یا کارهای آن‌ها را پیش‌بینی کنیم؟ اگر چشم‌اندازمان را عوض کنیم می‌بینم که این جاده یک‌طرفه نیست. به همان میزان که شناخت آن‌ها از دنیای ما ناقص است علم ما هم از درون آن‌ها نقص دارد و همان‌قدر که آن‌ها نیاز به شناخت ساختار ذهن ما دارند ما هم نیازمند درک دنیای درون آن‌ها هستیم.

به امید روزی که اُتیسم را یک تفاوت بدانیم نه یک نقص.